

متن پرسش

سلام استاد: من واقعا باورم نمیشه که اینی هستم که الان هستم. اصلا نمی‌فهمم چطور شد که این همه گناه از من سر میزنه. خواستم ازدواج کنم که به گناه کشیده نشم، اما گناهانم چند برابر شد. یه بار مشکلم رو براتون گفتم و شما گفتید باید در روح خودم جستجو کنم و به نتیجه برسم. هر طور حساب کردم باید جدا می‌شدم از همسرم اما یکی شاگردانتون حرف شما رو یه جور دیگه برام تفسیر کرد و منصرف شدم از جدایی. حالا به نسبت قبلاً بیشتر در باتلاق فرو رفتم. الان دیگه دارم بچه دار میشم ان شاءالله. اما ای کاش یه راهی بود نجات پیدا می‌کردم چون روز به روز وضعم داره بدتر میشه. میتونید راهنماییم کنید؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به هر حال راه چاره، همان فرمایش علامه حسن‌زاده «رحمت‌الله‌علیه» است که فرمودند: «خود را با معارف حقه مشغول کردم تا ذهنم مرا مشغول نکند». محبت و تواضع و ایثار و صلح رحم نیز روح انسان را در جهانی گشوده‌تر از جهان سیطره و همیّات حاضر می‌کند. موفق باشید